



• Lesson-taking in Architecture

Mohammad Bagher Valizadeh Owghani

PhD Candidate of Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Parisa Hashempour

Email: p.hashempour@tabriziau.ac.ir (*Corresponding Author*)

Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Minou Gharehbaglou

Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

Received: 1402/08/09

Accepted: 1403/03/26

Abstract

Being able to take a lesson means avoiding repeating negative experiences and actions, and taking advice and learning from the positive experiences of the past. Throughout history, architectural works have emerged based on the accumulation of human experiences and have been continuous with trial and error. Based on this, the aim of the current research is to explain the function of lesson-taking in different aspects of architectural works. This research, relying on the method of logical reasoning, seeks to explain the category of learning in architecture in three areas: learning person, the subject of learning and the learning process. Due to its educational function, lesson-taking can act in architecture as a way to criticize, learn and benefit from the positive and negative experiences of past architectural works. The lesson-taking category in architectural works includes architects as the creators of the architectural work and people as the creators of the cultural infrastructure of architecture, who by being trained and equipped with the means of lesson-taking can acquire, transfer and correctly use the information of the subject of the lesson (architecture). The subject of lesson is the semantic and physical aspects of architecture, and from the point of view of lesson-taking, what is good and beautiful in these aspects has the ability to instruct and learned from. It is possible to take lessons from architectural works in a conscious process and based on the means of advisability or unconsciously and relying on mental accumulations throughout history. The lesson-taking process and the way of imparting lessons and tips in architecture occurs more consciously for technical and specialized people (architects) and more unconsciously for ordinary people (architecture's audience).

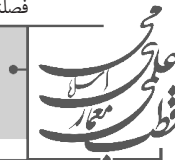
Architects, under the condition of proper and sufficient education during their studies, due to their scientific and technical view on architectural works, can take advantage of positive and negative experiences of architectural works in a more conscious and self-aware manner; but people and architectural audiences would take lessons from the work



of architecture unconsciously and unknowingly due to lack of sufficient expertise. This issue manifests itself mostly in connection with historical and remaining from the distant past architectural works that recognition, criticism, and education of them require expertise and historical knowledge. In other words, architects have an easier connection with architectural works from the distant and recent past, and audiences mostly with existing and belonging to the recent past architectural works. By educating and familiarizing the audience with the architectural values of the distant and recent past, it is possible to lead them towards a conscious lesson-taking from architectural works.

Keywords: lesson-taking, architecture, lesson-taking tool, lesson-taking process.





عبرت‌پذیری در معماری

محمدباقر ولی‌زاده اوغانی

پژوهشگر دوره دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

پریسا هاشم‌پور

استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: p.hashempour@tabriziau.ac.ir

مینو قره‌بگلو

استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶

چکیده

عبرت‌پذیری به معنای پرهیز از تکرار تجربیات و عملکردهای منفی، و پند و درس گرفتن از تجربیات مثبت گذشتگان است. آثار معماری در طول تاریخ، بر اساس انباشته‌ای از تجربیات انسانی پدید آمده و پیوسته با آزمون و خطا در تدام و استمرار بوده‌اند. عبرت‌پذیری به سبب کارکرد تربیتی آن، می‌تواند در معماری به‌عنوان روشی برای نقد و آموزش و بهره‌مندی از تجربیات مثبت و منفی آثار معماری گذشته، عمل کند. بر این اساس هدف پژوهش، تبیین کارکرد عبرت در وجوه مختلف آثار معماری است. رویکرد پژوهش کیفی است و با تکیه بر روش استدلال منطقی به دنبال تبیین مقوله عبرت‌پذیری در معماری در سه حوزه عبرت‌گیرنده، موضوع عبرت، و فرآیند عبرت می‌باشد. مقوله عبرت‌گیرنده در معماری، شامل معماران به‌عنوان خالقین اثر معماری، و مردم به‌عنوان خالقین زیربنای فرهنگی معماری است. موضوع عبرت وجوه مختلف معنایی و کالبدی معماری بوده و می‌تواند در فرآیندی خودآگاه یا ناخودآگاه به عبرت‌پذیر منتقل شود. از منظر عبرت‌پذیری، عبرت از تجربیات منفی و پند و درس از تجربیات مثبت در اثر معماری چه در وجه کالبدی و چه در وجه محتوایی آن و چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه در هر زمان ضروری بوده و آنچه در وجوه معماری دارای خیر و حسن است، قابلیت عبرت و پند برای آیندگان دارد.

نگاه عبرت به اثر معماری و بهره‌گیری از ابزار عبرت (عقلی با تدبیر، چشمی بینا، گوش‌ی شنوا، زبانی گویا، و دلی پلک و فراگیر) می‌تواند عبرت‌گیرنده را با مشاهده ظاهر و تأمل در باطن آثار معماری در تجزیه و تحلیل، نقد و شناخت و همچنین پند و عبرت از عملکردها و نقاط مثبت و منفی آثار معماری یاری رساند. عبرت‌پذیری از اثر معماری در فرآیندی خودآگاه و متکی بر ابزار عبرت و یا ناخودآگاه و با تکیه بر انباشته‌های ذهنی، قابل انجام است. فرآیند عبرت و نحوه انتقال درس و پند در معماری برای اهل فن و تخصص (معماران) بیشتر به صورت خودآگاه و برای عوام (مخاطبین معماری) بیشتر به صورت ناخودآگاه رخ می‌دهد. می‌توان با آموزش و آشنا کردن مخاطبان با ارزش‌های معماری گذشته دور و نزدیک، آن‌ها را به سمت عبرت آگاهانه از آثار معماری سوق داد.

واژگان کلیدی: عبرت‌پذیری، معماری، عبرت‌گیرنده، ابزارعبرت، فرآیند عبرت.

۱. بیان مسئله

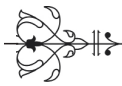
عبرت، حالتی است که در اثر برخورد با اموری به انسان دست می‌دهد و بر عمل و رفتار وی تأثیر می‌گذارد. همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خود را به درس‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان دعوت کرده‌اند (قائم‌مقدم ۱۳۸۰، ۷۰). آموزه‌های اسلامی و در رأس آن قرآن کریم نیز برای عبرت دادن به افراد، آن‌ها را به مضوعات مختلفی از جمله تاریخ، طبیعت، سرگذشت پیشینیان، و... ارجاع می‌دهد (قائم‌مقدم ۱۳۸۴). به عبارتی انسان می‌تواند از هر چیزی به حکمت‌هایی دست پیدا کند و عبرت بگیرد: «در هر چیز عبرتی است» (آمدی ۱۳۶۶، ۴۷۳). در جهان اسلام، تاریخ و عامل «عبرت» همراه هم آمده‌اند. بنابراین هر آنچه در طول زمان و پیش از اکنون بر سر انسان گذشته و هر عملی که انسان در طول تاریخ تجربه کرده است، می‌تواند منبع عبرت انسان در زمان حال و آینده باشد. قرآن کریم بیشترین موضوعی که برای عبرت به افراد ارائه می‌دهد تاریخ و سرگذشت پدیده‌ها است (قائم‌مقدم ۱۳۸۴، ۳۴). هر پدیده‌ای زبان گویای سرگذشت خویش است، زیرا در طول زمان تکوین یافته و ماهیت کنونی‌اش را پیدا کرده است. انسان، زمین، محیط طبیعی و مصنوعات همه محصول و نتیجه گذشته و رویدادهای خرد و کلان بر وی رفته، است (قیومی‌بیدهندی ۱۴۰۲، ۳۷۴). از این‌رو گذشته و تاریخ^۱ مطالعه آن همواره به‌عنوان دانشی سودمند برای کسب تجربه و عبرت‌آموزی بوده است. تمامی هنرها در درازای تاریخ، متعالی شده و به صورت سبک‌های گوناگون تجلی یافته‌اند. معماری به‌عنوان یکی از مهمترین هنرها و مصنوعات بشری در طول تاریخ در تداوم و تکامل بوده است. معماری‌ای که زندگی بشر در آن جریان دارد، محصول گذشته است، گذشته دور یا نزدیک (قیومی‌بیدهندی ۱۴۰۲، ۱۱). مهم‌ترین بقایایی که در معماری واسطه معرفت به گذشته می‌شوند شامل بقایای مادی (نظیر شهرها، بنا، راه‌ها، نقشه‌ها، و...) و غیرمادی (نظیر آداب و رسوم و باورها، و...) است (غلامعلی‌فلاح ۱۴۰۰، ۱۰۱). معماری در طول تاریخ با مواد و مصالح مختلف و در شکل و فرم‌های متنوع ظهور یافته است. از طرفی معماری همواره با انسان و زندگی او همراه بوده است. به عبارتی معماری صورتی از رویاها، باورهای فردی و ارزشهای اجتماعی را، در شکلی مقید به فناوری ساخت و متکی به زمان و مکان، برای زندگی انسان، نظام فضایی بخشیده است (تقوایی ۱۳۸۹، ۸۴). کاپون وجوه پنج‌گانه ۱. مصالح و ساخت (ماده)، ۲. رابطه بنا با بافت (ارتباط)، ۳. نمای فضایی، ابعاد و نسبت‌ها (کمیت)، ۴. نوع، سبک و دوره ساخت (کیفیت)، و ۵. عملکرد (حرکت) برای یک بنا قائل است (کاپون ۱۳۸۳، ۱۲۳). کانتر نیز مکان را دربرگیرنده سه

جزء کالبد، فعالیت و معنا می‌داند (کانتر ۱۳۹۲). به طور کلی معماری دارای دو وجه کالبدی و محتوایی بوده و به‌واسطه استمرار و انباشت تجربیات معماران از نحوه کاربرد مصالح و راهکارهای اقلیمی گرفته تا شکل‌گیری فرم کالبدی و معانی نهفته در آن، حائز اهمیت است. معماری در طول تاریخ بر اساس آزمون و خطا و تجربیات انسانی متنوع تکامل پیدا کرده است (حجت ۱۳۹۱). بسیاری از اندیشمندان (قبادیان ۱۳۹۲؛ حجت ۱۳۹۱؛ نقی‌زاده ۱۳۷۹) معتقدند که در دوران مدرن، تحولی بنیادین در معماری صورت گرفته، و منبع الهام، ایده‌های طراحی و شکل معماری و در پی آن مصالح و شیوه اجرای ساختمان دگرگون شده و از این زمان به بعد گسستی در استمرار و تداوم معماری رخ داده است. در هر حال فارغ از نگاه تاریخی و تداوم معماری، هر بنای معماری در هر زمان بر اساس تجربیات معماران پدید آمده و نقاط قوت و ضعف خود را داشته است که می‌تواند به‌عنوان منبع عبرت برای معماران حائز اهمیت باشد. بر این اساس هدف این مقاله بررسی آثار معماری از منظر پند و عبرت بوده و در پی پاسخگویی به سؤال زیر است:

– بهره‌مندی از آثار معماری از منظر پند و عبرت به چه شکلی می‌تواند باشد؟

۲. پیشینه پژوهش

حدود تقلید و تأثیرپذیری و وام‌گیری معماران از آثار معماری در عموم پژوهش‌های مرتبط با مسئله به چشم می‌خورد. گستردگی قلمرو مسئله، آن را در ارتباطی تنگاتنگ با مفاهیم عرفی، حقوقی، هنری و فلسفی قرار می‌دهد که لزوم جامع‌نگری و ارائه چارچوبی نظری برای آن را دوچندان می‌سازد (اسماعیلی‌قشلاقی و بمانیان ۱۴۰۰، ۶). لزوم توجه به آثار معماری به‌عنوان منبعی برای آموزش و اهمیت استفاده از تجربیات معماری همواره مورد بحث بوده است. عمده پژوهش‌های انجام یافته در این رابطه را می‌توان در پژوهش‌های مرتبط با تاریخ معماری و اهمیت آن پیگیری کرد (جدول ۱). توجه به آثار تاریخی معماری در طول تاریخ به طرق مختلف ظاهر گشته است؛ معماری تاریخ‌گرای کلاسیک که با تقلید صرف از عناصر تاریخی، بر فرم و متریاک تأکید داشته است، معماری تاریخ‌گرای نمادین با پذیرش جنبه‌های مدرنیستی، فرم و متریاک و نیز جریان‌ات فکری مدرن در غرب و ایران را پذیرا بوده است، و در معماری تاریخ‌گرای فلسفی، الزامی بر جنبه‌های کالبدی بنا وجود نداشته و توجه به «روح زمان» همان بستر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در کنار رخ دادهای معمارانه غیر کالبدی شاخصه اصلی محسوب می‌گردد (جزء‌پیری و متین ۱۳۹۹، ۱۰۹-۱۱۰).



جدول ۱. پیشینه مطالعات داخلی انجام یافته پیرامون موضوع در توالی زمانی

محقق	هدف	روش	یافته‌ها
عبداله‌زاده ۱۴۰۱	بیان چارچوب تاریخ‌نویسی معماری بر پایه عدالت	استدلال منطقی	- گستردگی و فراگیری معنای عدالت و توجه به معیار و مبنای آن و امکان بررسی انتقادی آثار گذشته بر پایه آن
بکاء و دیگران ۱۴۰۱	مواضع وارطان درباره نسبت معماری زمانه‌اش با گذشته	تاریخی	- معنی‌داری مواضع وارطان در نسبت با گذشته در دو برهه گذشته دور و گذشته نزدیک در نسبت با شیوه نوین
مؤذن و ابوبی ۱۴۰۰	بازشناسی ظرفیتهای ناشناخته معماری ایران	تفسیری با استعانت از استعاره	- تشابه اثر تاریخی معماری و پیر در بهره‌مندی از عقل فعال، کیفیت حیات، متذکر بودن، حرمت‌انگیزی آثار پیری، و...
رنجبر کرمانی ۱۳۹۹	تدوین روشی بسامان برای آموزش تاریخ معماری	استدلال منطقی	- اهمیت «الگوهای فضایی» و «الگوهای ساماندهی فضایی» به‌عنوان تجربه‌های طراحی گذشتگان در تدریس طراحی معماری
غروی‌الخوانساری ۱۳۹۸	چرایی و چگونگی آموزش تاریخ معماری	استدلال منطقی	- ضرورت دستیابی به تفکر تاریخی - حضوری توأمان پیاپی و پویایی در جریان تاریخ
مؤذن و دیگران ۱۳۹۵	برانگیختن نگاه متفاوت به آثار تاریخی معماری ایرانی	کیفی-مقایسه تطبیقی	- مقایسه اثر تاریخی با شأن پیر و احترام به آن همچون پیر
مؤذن و دیگران ۱۳۹۴	تعریف ادب حضور و شرایط حضور انسان در اثر تاریخی	کیفی با استعانت از استعاره	- ادب حضور یعنی توجه به نیازهای اثر چونان موجودی سالخورده و درک شرایط مناسب حضور در محضرش، همچون یک مربی
شهیدی‌مارنانی و قیومی ۱۳۹۲	بررسی رویکرد تاریخ فرهنگی و سیر تحول آن	کیفی	- ژرف‌تر شدن مطالعات تاریخ معماری ایران با وارد شدن تاریخ فرهنگی به آن
خوئی ۱۳۸۹	جایگاه تاریخ معماری در درک و ایجاد معماری	کیفی	- روش تجربی و مراجعه به تاریخ معماری، راه مستقیم و بی‌واسطه فهم معماری و درس گرفتن از آثار گذشتگان

معماری را در سه حوزه عبرت‌گیرنده (معمار و مردم)، موضوع عبرت (معماری) و فرآیند عبرت (خودآگاه و ناخودآگاه) استنباط و تحلیل کند.

۴. مبانی نظری

۴-۱. عبرت و عبرت‌پذیری

واژه «عبر» عربی، و در فارسی به معنای «پند و اندرز» آمده است. عبرت از ریشه «عبر» و به معنای عبور و گذشتن از حالی به حالی است (راغب‌اصفهانی ۱۳۶۲، ۳۲۰). عبرت از کارآمدترین روش‌های تربیتی است که در اثر برخورد با اموری ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفتی باطنی و غیر مشهود منتهی می‌شود (قائمی‌مقدم ۱۳۸۰، ۶۹). پیگیری مفهوم عبرت در آیات و روایات، کتب اخلاق اندیشمندان، ادبیات و اشعار نشان از اهمیت پند و عبرت‌پذیری در تاریخ زندگی بشری است (جدول ۲).

عبرت‌پذیری علاوه بر معنای سلبی آن و پرهیز از تکرار تجربیات و عملکردهای منفی گذشتگان، به مفهوم پند و درس گرفتن از تجربیات و عملکردهای مثبت نیز هست (شکل ۱). چراکه تاریخ عبارت از مجموعه رفتارهای مثبت و منفی گذشتگان است و عبرت-آموزی از تاریخ و تفکر تعالی‌بخش درباره سرگذشت اهل حق و باطل، یکی از اسباب قرب الهی است (سلیمانی‌امیری ۱۴۰۰، ۱۷۶). همانطور که حضرت

بررسی پیشینه پژوهش نشان از اهمیت بهره‌گیری از تجارب معماری تاریخی و تداوم آن بوده است. رجوع معماران معاصر به آثار تاریخی، اکثراً تحت تأثیر عاملی بیرونی نظیر تفکرات پست‌مدرن و انواع سبک‌های تاریخ‌گرایی بوده است. این پژوهش به اهمیت آثار معماری از منظر عبرت پرداخته و فارغ از تاریخ‌گرایی و فایده تداوم و استمرار در رجوع به آثار معماری، به دنبال کارکرد عبرت و حد و حدود عبرت‌پذیری از تجربیات مثبت و منفی آثار معماری است. عبرت به سبب کارکرد تربیتی آن می‌تواند واژه‌ای مهم در بیان اهمیت شناخت، نقد و درس‌آموزی از آثار معماری باشد.

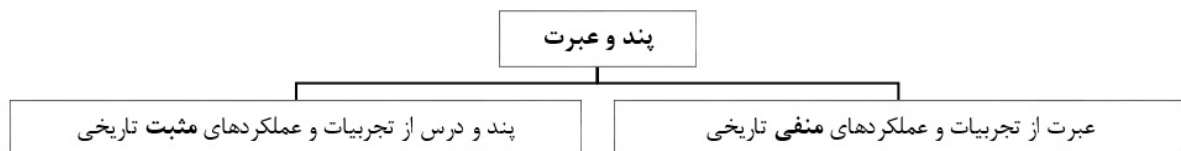
۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر رویکرد کیفی بوده و روش تحقیق مبتنی بر استدلال منطقی است. راهبرد استدلال منطقی مناسب پژوهش‌هایی است که در کار ایجاد نظامی منطقی میان دسته‌ای از مفاهیم برای صورت‌بندی چهارچوبی نظری و نظام‌مند هستند. این سامانه برای تبیین و شرح بهتر عوامل ناشناخته قبلی در حوزه‌ای از دانش است (گروت و وانگ ۱۳۸۴، ۳۰۱-۳۰۲). در بخش نخست با مراجعه به متون تخصصی مرتبط، معانی و مفاهیم عبرت و عبرت‌پذیری تدوین شده و در مرحله دوم با روش استدلال منطقی، تلاش شده است با تأمل در معانی عبرت، ارتباط بین عبرت‌پذیری و

علی (ع) می‌فرمایند: ای بندگان خدا از عبرت‌های سودمند پند پذیرید و از آیات روشن‌گر عبرت آموزید^۲. مراد حضرت امیر(ع) از عبرت، دقت در نوع رفتار پیشینیان و مطالعه عملکردهای درست و نادرست آنها به منظور تصمیم‌گیری درست است. در هر صورت، هر دو نوع رفتار گذشتگان، آموزنده است (احمدیان احمدآبادی و اخوان ۱۳۹۲، ۲۴-۲۵).

جدول ۱. پیشینه مطالعات داخلی انجام یافته پیرامون موضوع در توالی زمانی

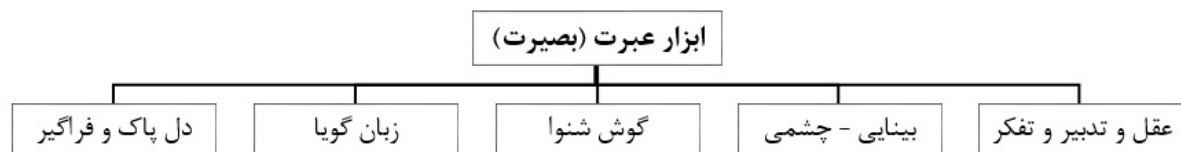
محقق	مفهوم عبرت	منبع
لغتنامه فرهنگ معاصر عربی - فارسی	عبره: پند، عبرت، تنبیه، اخطار، درس، سرمشق متنبه‌ساز، الگوی پندآموز، هر چه که مورد عبرت شود، هر چه که باید سرمشق و مورد اعتنا قرار گیرد...	(آذرتاش ۱۳۸۸، ۴۱۸)
آیات	در سرگذشت آن‌ها، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است...	(سوره یوسف/ آیه ۱۱)
	... پس عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت...	(سوره حشر/ آیه ۲)
روایات	ای بندگان خدا از عبرت‌های سودمند پند پذیرید و از آیات روشن‌گر عبرت آموزید.	(نهج‌البلاغه ۱۳۸۶، خطبه ۸۵)
	عبرت بگیرید که در میان پیشینیان شما درس‌های عبرت هست.	(محمدپیشگیری ۱۳۸۸، ۳۴)
اندیشمندان	عبرت عبارت است از آموزش و پرورش اصول و قوانین جاریه در هستی و در انسان و به کار بستن صحیح آن‌ها.	(جعفری، ۱۳۷۵، ۱۵۲)
	به درستی که رفتن روندگان، هر آینه، عبرتی است برای قوم بازمانده.	(آمدی ۱۳۶۶، ۴۷۱)
ادب و شعر	بدان علم تاریخ را مختصر / که این علم، علمی است بس معتبر	(حافظابرو ۱۳۷۸، ۸۵)
	هان ای دلِ عبرت‌بین! از دیده عبر کن! هان! / ایوان مدائن را آینه عبرت دان!	(خاقانی ۱۳۸۶، ۳۵۸)



شکل ۱. مفهوم دوگانه عبرت، پندپذیری از تجربیات مثبت و منفی

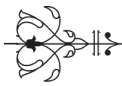
نداشتن تعصب و غرض شخصی جایگاه والایی در مطالعه و نوشتن تاریخ دارد (بیبهقی ۱۳۸۱، ۱۸). لذا انتقال صحیح اطلاعات تاریخی و عبرت‌پذیری مناسب از تاریخ و اطلاعات نهفته در آن نیازمند ابزار است، همانطور که در سخنان سخنان امام علی(ع) نیز آمده؛ عبرت‌پذیری روشی تربیتی است و نیاز به ابزارهایی دارد که این ابزارها عبارت‌اند از عقلی با تدبیر، چشمی بینا، گوش‌شنوا، زبانی گویا، و دلی پاک و فراگیر^۳ (شکل ۲).

عبرت عبور از صفات بد به صفات خوب است (جوادی‌عاملی ۱۳۶۸، ۱۳۲). این تعریف نشان می‌دهد که آنچه فرد در عبرت و پندپذیری به آن منتقل می‌شود، باید بار ارزشی و اخلاقی داشته و قابلیت تأثیرگذاری در رفتار اخلاقی و خودسازی فرد داشته باشد. هدف اخلاق توجه دادن مخاطب به رفتار پسندیده است و همین امر عامل پیوند پند و اندرز به اخلاق است. از طرفی اخلاق حکم می‌کند که دریافت و انتقال اطلاعات تاریخی درست انجام شود. از نظر بیبهقی، حقیقت‌گویی و



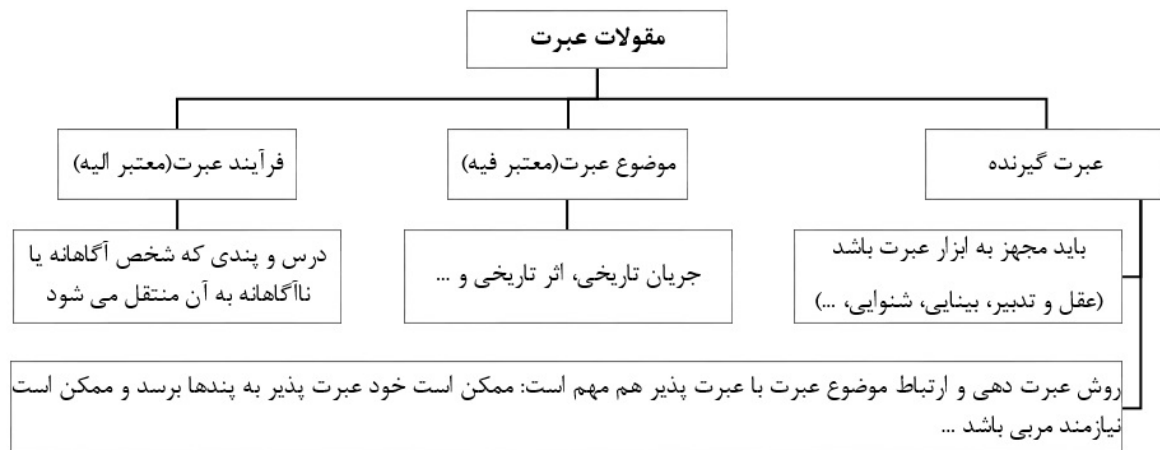
شکل ۲. ابزار عبرت در کلام امام علی(ع)





دستور بر عبرت‌دهی به انسان را داده است^۴، عبرت‌دهی را این گونه نیز می‌توان تعریف کرد: تبیین و توصیف و یا ارائه یک جریان و امر تحقق یافته به متربی به منظور تحریک و بیدار کردن وجدان متربی و به فکر واداشتن او در جهت تجزیه و تحلیل جریان مزبور و کشف رابطه بین اجزای آن، به نحوی که این عمل فکری منجر به نتیجه‌ای منطقی شود و در جهت تغییر اعمال و رفتار او مؤثر افتد (همان ۲۰) (شکل ۳).

فرآیند عبرت‌پذیری با سه مقوله مرتبط است: ۱. عبرت‌گیرنده، ۲. موضوع عبرت، ۳. فرآیند عبرت. همانطور که عنوان شد، علی‌رغم اینکه عبرت‌پذیری نیاز به ابزار دارد، ولی روش عبرت‌دهی و ارتباط موضوع عبرت با عبرت‌پذیر هم مهم است: ممکن است خود عبرت‌پذیر به پندها برسد و ممکن است نیازمند مربی باشد (قائم‌ی مقدم ۱۳۸۴، ۱۸). همانطور که خداوند در آیات متعدد قرآن به پیامبر اکرم(ص)



شکل ۳. مقولات عبرت (قائم‌ی مقدم ۱۳۸۴، ۱۸)

که هر اثر معماری می‌تواند منبعی برای عبرت‌پذیری باشد. از آنجا که عبرت یک روش تربیتی است و در مواجهه با امور عینی و قابل مشاهده انسان را به معرفت می‌رساند، می‌تواند به‌عنوان روشی برای نقد، آموزش و تربیت معماران عمل کند. مشاهده آثار معماری و تفکر در آن و نقد و تحلیل آثار گذشتگان و نمونه‌های موفق و ناموفق می‌تواند نقشی کلیدی در آموزش و تربیت معماران داشته باشد (مهدوی‌نژاد ۱۳۸۴، ۷۰). عبرت از آن جهت که با مشاهده و تفکر در آثار پیشینیان به آینده‌ای بهتر نظر دارد با نقد، شناخت و تربیت معماران ارتباط برقرار می‌کند. همانطور که وین اتو^۵ (۱۳۸۴) نقد را زمانی مفیدتر می‌داند که به جای تحقیر گذشته به ترسیم آینده بپردازد.

گذشته، حال و آینده با تداوم خاصی از تجربه انسانی به هم مرتبط هستند (باربر^۶ ۲۰۱۶، ۱۱۶۷). همه تجارب انسانی در طول تاریخ می‌توانند عاملی برای عبرت و پند باشند. «التجربة ثمر الاعتبار: تجربه، عبرت‌آموزی به بار می‌آورد» (آمدی ۱۳۶۶، ۴۴۴). معماری به پشتوانه تراکم تجارب گذشته در نحوه برخورد با انواع مسائل و معضلات، مناسب‌ترین راه‌کارها را یافته و به کار گرفته است (حجت ۱۳۹۱، ۹۵). این تجربیات انسانی که محصول آزمون و خطا و اندوخته و

۴-۲. عبرت‌پذیری در معماری

معماری به‌عنوان شکل مشخصی از مصنوعات انسانی دارای ویژگی‌های گوناگونی است؛ اما مهمترین جنبه معماری ارتباط آن با زندگی انسان و تأثیرات حاصل از آن است (احتشامی^۷ ۲۰۱۸، ۹۴). معماری تجلیگاه اندیشه‌ها، نیازهای انسان و ظرف زندگی اوست؛ بنابراین تاریخ معماری یعنی تاریخ انسان و تاریخ زندگی او در این جهان (قیومی‌بیدهندی ۱۳۹۰، ۵۹). این تعاریف و ویژگی‌ها، شناخت سیر شکل‌گیری معماری در طول تاریخ را حائز اهمیت می‌کند. چنانکه در آثار مکتوب و ویتروویوس^۸ نیز بر ضرورت آشنایی با آثار پیشین و ریشه‌های آن تأکید شده است (ناری‌قمی ۱۳۹۸، ۹۶). معماری در طی زمان دستخوش دگرگونی بوده است و آنچه در دست هست محصول گذشته و گذر زمان است. برای شناخت آن، باید به معماری موجود و آنچه از گذشته باقی مانده است رجوع کرد (قیومی‌بیدهندی ۱۴۰۲، ۱۳۱).

نقد و شناخت آثار معماری امری ضروری در فهم آن و بازآموزی از آن است، چراکه هر اثر معماری دارای وجوه مثبت و جنبه‌های منفی است که می‌تواند در آموزش معماران و تکرار تجربیات مثبت و عدم تکرار تجربیات منفی در تولید معماری حائز اهمیت باشد. با این نگاه می‌توان استدلال کرد



اهمیت دوجندان دارد. برای نیل به این هدف و حاصل شدن عبرت، معمار و مخاطب باید مجهز به ابزار عبرت بوده و آموزش ببینند (شکل ۴). در ادامه، عبرت‌پذیری در معماری در سه مقوله عبرت‌گیرنده (معمار)، موضوع عبرت (وجوه مختلف معماری)، و فرآیند عبرت دسته‌بندی شده و به تشریح آن پرداخته شده است.

۵. عبرت‌گیرنده

۵-۱. معمار

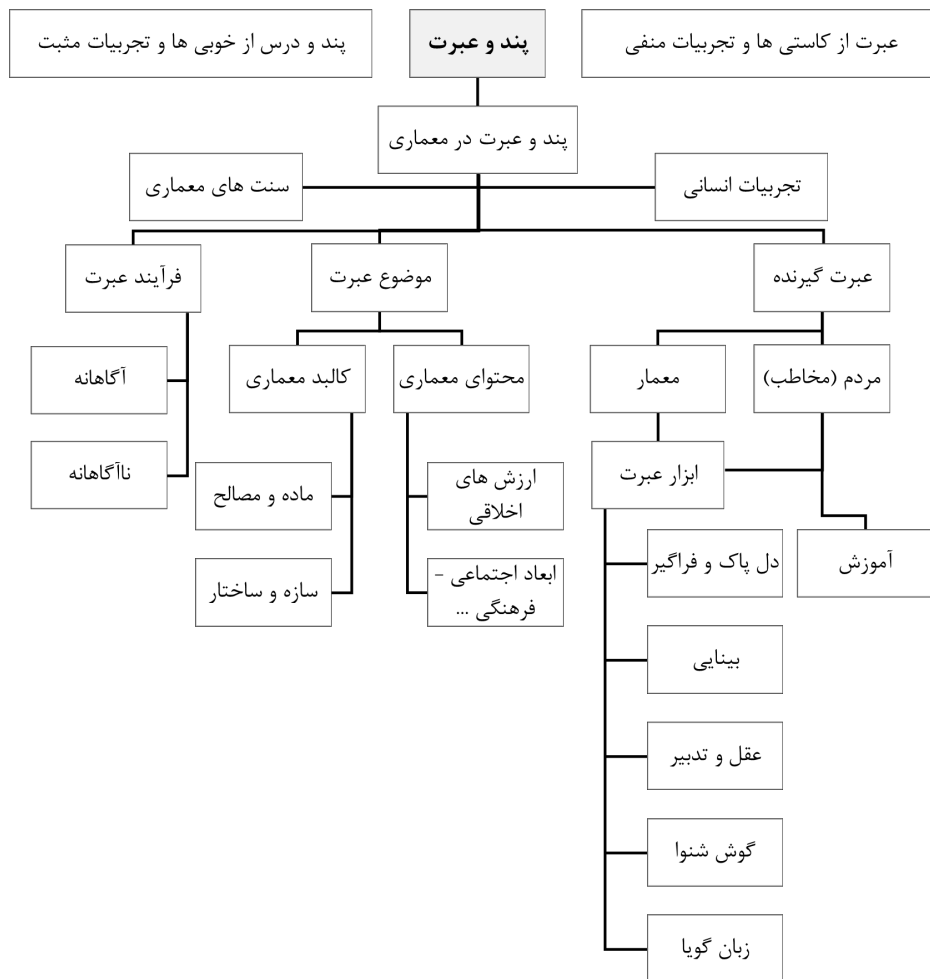
لاوسون^{۱۲} (۲۰۰۴) یک ویژگی مهم افراد ماهر در طراحی را داشتن انباشته‌ای ذهنی از پیشینه‌ها می‌داند که ناشی از مطالعه روی پاسخ‌های پیشین طراحی است (ناری‌قمی ۱۳۹۸، ۹۹). فیلیپ جانسون نیز سه شرط برای معمار خوب برمی‌شمرد: اینکه بر تاریخ معماری وقوف داشته باشد، از طریق تسلط بر ویژگی‌های مصالح و اشکال و عناصر معماری آنها را متکامل سازد؛ و فرزند زمان خود باشد (حائری ۱۳۷۵). معماران در جستجوی پاسخ پرسش‌ها و مسائل خود به سراغ تاریخ می‌روند تا در محضر آثار معمارانی که هم‌سنخ او هستند، معماری بیاموزند، و تجارب ایشان را به تجربه خود بدل کنند (خوئی ۱۳۸۵، ۲۵). بررسی‌های انجام شده در حوزه معماری نشان می‌دهد که در تنوع تدریجی فضایی، شکلی، ساختمانی، و عملکردی معماری بیش از هر چیز، معماران به‌عنوان طراحان، ناظران و مجریان نقش مهم و کلیدی داشته‌اند (رحیم‌نیا و دیگران ۱۳۹۶، ۲۰). بر این اساس تفکر در آثار معماری و پند و عبرت از آن در وهله اول بر عهده معماران است و برای آنکه یک معمار بتواند اطلاعات صحیح تاریخی را از آثار تاریخی معماری کسب کرده و آن را انتقال دهد بایستی مسلط به ابزار عبرت باشد، چراکه در حکمت قرآنی برخلاف حکمت عملی و نظری فیلسوفان، که دانستن به تنهایی برای حکیم شدن کافی است، نوعی عبرت هم نهفته است (سروش ۱۳۷۳، ۱۳۵). شاید بتوان دل پاک و فراگیر را به‌عنوان اولین ابزار عبرت در معماری نام برد. واژه‌هایی نظیر تهذیب نفس در معماری (پیشوایی و قیومی‌بیدهندی ۱۳۹۲، ۲۸)، معماری ذاکرانه و اهمیت نیت (قیومی‌بیدهندی ۱۳۹۰، ۳)، اهلیت معمار، تحول درونی و خودشناسی او (ندیمی ۱۳۸۶، ۱۳۰)، همگی می‌توانند تأکیدی بر این مهم باشند. لذا دل پاک و فراگیر معمار می‌تواند دروازه انتقال اطلاعات درست، صحیح و به‌جا به معماران بوده و عامل پذیرش عبرت و پند در وی شود.

تجربه عینی و روایتی با آثار تاریخی معماری و آموزش و عبرت از آن‌ها نیازمند ابزار بینایی و تأمل در اثر معماری است. به عبارتی برای آنکه یادگیری مؤثر عمل کند نیازمند

دست‌یافته پیشینیان برای آیندگان است، سنت مجرب نامیده می‌شود. این سنت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و همان سنتی است که می‌تواند موجب تداوم تجربیات معماری از نسلی به نسل دیگر باشد (حجت ۱۳۹۴، ۶-۷). بنابراین سنت‌های معماری و تجربیات انسانی در معماری می‌تواند به‌عنوان دو منبع مهم در عبرت از آثار معماری باشد. در این بین توجه به آثار تاریخی اهمیت دوجندان دارد چراکه بناهای تاریخی از مهم‌ترین میراث‌های به‌جا مانده از گذشتگان هستند و ریشه‌ها و هویت انسانی ما را نشان می‌دهند (سابا^{۱۳} و دیگران ۲۰۲۳، ۱). از طرفی نمونه واقعی عبرت در معماری را می‌تواند در عمل معماران گذشته پیگیری کرد. معمار سنتی با پند و عبرت از گذشته و از راه آزمون و خطا پاسخ‌های کالبدی، اقلیمی و معنایی معماری را مدام در طی زمان ارتقا و تکامل بخشیده است. معمار سنتی فردی جامع‌الشرایط و مجهز به حکمت و مهارت بوده (حجت ۱۳۹۱، ۱۰۳)، و توانسته است با پند و عبرت از تجارب گذشته بناها، از آنچه در آن خیر و حسن بوده استفاده کرده و الگوهای معماری را تکامل ببخشد^{۱۴} و با عبرت از کاستی‌ها اقدام به رفع ضعف‌ها و نقص‌های آن بکند^{۱۵}. در گذشته هر ساخته، خشتی بر خشت تجربه‌های پدران بوده و آنان بی‌اعتنایی به تجربیات گذشتگان را بی‌خردی و خلاف آبادانی می‌شمردند. اما انسان جدید حیات خود را در گرو پشت کردن به تجربه گذشتگان شمرد و آباد کردن را با بریدن از گذشته و ویران کردن آن یکی گرفت (قیومی‌بیدهندی ۱۳۹۰، ۱۵). با وجود اینکه معماران مدرن تمایلی به تاریخ و بازگشت به گذشته نداشتند ولی معماران همگی به تاریخ نیاز دارند و خودآگاه یا ناخودآگاه بدان تعلق خاطر دارند و در آن به دنبال پاسخ پرسش‌های خود می‌گردند (خوئی ۱۳۸۵، ۲۴). در هر حال آثار معماری چه در گذشته دور و چه در گذشته نزدیک بر اساس تجربیات انسانی پدید آمده و دارای نقاط ضعف و قوت هستند که عبرت و پندآموزی از وجوه مختلف آن حائز اهمیت است.

همانطور که پیشتر عنوان شد، در فرآیند عبرت‌پذیری سه مقوله مهم است؛ عبرت‌گیرنده، موضوع عبرت و درسی و پندی که طی فرآیند عبرت به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه منتقل می‌شود. این مقولات را می‌توان با سه عامل مهم در معماری یعنی: اثر معماری، مخاطب، و معمار تطبیق داد. هر اثر معماری به‌عنوان موضوع عبرت دارای وجوه کالبدی و محتوایی متکی بر تجربیات مثبت و منفی معماران است که می‌تواند منبعی برای درس و پند برای معماران و مردم به‌عنوان عبرت‌گیرنده حائز اهمیت باشد. در این بین نحوه و روش عبرت‌پذیری و ارتباطی که باید بین موضوع عبرت و عبرت‌گیرنده برقرار شود، تا درس و پند در فرآیند ناخودآگاه یا خودآگاه منتقل شود،





شکل ۴. مدل مفهومی پژوهش

آموزش و عبرت از این آثار باید به اسناد تاریخی و پژوهش های انجام یافته توسط محققین و اساتید اندیشمند رجوع کرد. اینجاست که اهمیت گوش شنوا و زبان گویا به عنوان ابزارهای دیگر عبرت نمایان می شود. معماران بایستی با دلی پاک و فراگیر و گوش شنوا در متون مکتوب و کلام اساتید خود تأمل کرده و به شایسته ترین شکل ممکن از اثر تاریخی عبرت و پند بیاموزند. لازمه رسیدن به این مهم این است که اطلاعات اثر معماری توسط مورخین و محققین به درستی و صحیح مکتوب شده باشد چراکه بنای علم تاریخ را بر صدق و راستی استوار می دانند و وظیفه نظری، دینی، اعتقادی و مذهبی مورخ را در گزارش اخبار صحیح و راست بیان کرده اند (حافظ ابرو ۱۳۷۸، ۸۷). شکل ۵ کارایی و مصادیق ابزار عبرت در معماری را نشان می دهد که می تواند مسیر عبرت پذیری را برای معماران تسهیل کند.

تجربه عینی و مشاهده تأملی است (السادات حسینی و دیگران ۱۳۹۸، ۱۳۱). همانطور که در قرآن هم به مشاهده و دیدن^{۱۳} و استفاده از عقل^{۱۴} برای تذکر و عبرت آموزی سفارش شده است. بر این اساس معمار بایستی با گذر از دیدن صرف به نگاه کردن با دقت و مشاهده دقیق جزئیات آثار معماری و تأمل در ظاهر و علی الخصوص باطن آن، از نقاط مثبت آن پند و از نقاط منفی اش عبرت بگیرد. چراکه عبرت در معنای دقیق نوعی عملیات فکری است. بدون تأمل و تفکر، تحقق عبرت، امکان پذیر نیست؛ زیرا انسان به مشاهده و یا شنیدن امور و پدیده ها می پردازد و اگر به همین شنیدن اکتفا کند، چنین حالتی در او پدید نمی آید (قائم مقدم ۱۳۸۴، ۴۱). آثار معماری به جا مانده از گذشته، علی رغم اهمیت آن نماینده تام معماری ای نیست که در طی تاریخ تحقق یافته اند (قیومی بیدهندی و شمس ۱۳۹۱، ۵) و بسیاری از آثار در طی زمان به دلایل مختلف از بین رفته اند، بنابراین برای مطالعه،

دَل پاک و فراگیر	چشم بینا	عقلی با تدبیر	گوش شنوا	زبان گویا
• تهذیب نفس • نیت و معماری • ذاکرانه • خودشناسی • تحول درونی	• مشاهده موشکافانه و دقیق • گذر از دیدن صرف و نگاه کردن با دقت به آثار معماری	• مشاهده همراه با تعقل و تفکر • تفکر در جزئیات کالبدی، سازه ای، محتوایی و... در معماری	• گوش دل سپردن به کلام اساتید معماری • استفاده از اسناد تاریخی و پژوهش معماران و اساتید	• تحقیق و پژوهش در آثار معماری و انتقال آن به آیندگان • انتقال صحیح و راست اطلاعات

شکل ۵. کارایی و مصادیق ابزار عبرت در معماری

۵-۲. مردم

عبرت و پند معماران از اثر معماری و بکارگیری اصول آن، وابسته به پذیرش مخاطبان معماری است. چراکه معماری به عنوان مقوله‌ای فرهنگی در تعاملی دائمی با مردم و جامعه است و هر اثر معماری در نهایت توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. معماری با وجود اینکه از تحولات اقتصادی، سیاسی و... تأثیر می‌پذیرد ولی آنچه می‌تواند سمت و سوی معماری را تغییر دهد فرهنگ عامه مردم است. بنابراین ارتقای آگاهی و سلیقه مردم در معماری می‌تواند به ارتقای جایگاه ارزش‌های معماری بدست آمده در طول تاریخ در ذهنیت مردم و جامعه ختم شود. بررسی تجارب مثبت و منفی آثار معماری و عبرت‌آموزی از آن، کاری تخصصی و بر عهده متخصصین مرتبط با معماری و در رأس آن معماران است و به سبب فنون تخصصی معماری در حیطه‌های کالبدی، فضایی، اقلیمی، سازه‌ای، معنایی، و... نمی‌توان انتظار داشت که مردم آگاهی کامل از این اصول داشته و از آن عبرت بگیرند. ولی می‌توان آگاهی مردم و جامعه را از ارزش‌های آثار معماری افزایش داده و زمینه پذیرش آن را فراهم کرد.

در طول تاریخ، اعیان و اصحاب قدرت، شاهدهای فاخر تاریخی و گزارش‌های تاریخی را پدید آورده یا در آن اثر گذاشته‌اند، ولی با این وجود رویدادهای انسانی در مسیر خود رفته است، مسیری که بیشتر مردم (عوام) روندگان و شکل‌دهندگان آن بوده‌اند (قیومی‌بیدهندی و شمس ۱۳۹۱، ۷). در طی تاریخ بناهای بسیاری توسط اعیان و مردم عوام ساخته شده است که تحت تأثیر همدیگر بوده‌اند. مردم چه در مقام عاملان معماری، چه بانیان و صاحبان و چه کاربران آن، در معماری روزگار خود دخیل بوده‌اند (همان، ۱۱). تأثیر و دخالت مردم در معماری در گذر از معماری سنتی به مدرن به سبب تخصصی‌تر شدن حرفه معماری متحول شده است. قبل از دوران مدرن، انتقال دانش و گفتمان معماری و فرهنگ متعالی بین نهاد تخصصی و مردم برقرار بود که این پیوند در

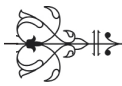
دوران معاصر گسیخته شده است (ملایری و دیگران ۱۳۹۸، ۷۶). لذا در دوران معاصر عبرت‌پذیری مردم از آثار معماری نیازمند آموزش است چراکه آموزش، در تغییر دیدگاه‌ها و نزدیک شدن به مقاصد معماری در توجه دادن عموم، مؤثر است (همان، ۸۸)؛ و می‌تواند مردم را مجهز به ابزار عبرت کند و راه را برای همراهی و همکاری با معماران و متخصصین در عبرت از آثار معماری هموار نماید.

۶. موضوع عبرت: معماری

موضوع عبرت حادثه، واقعه و یا رویدادی است که عبرت‌گیرنده در ظاهر با آن ارتباط برقرار کرده و آن را درک می‌کند. این موضوع امری است که در خارج تحقق یافته و به وقوع پیوسته است و ممکن است ادامه داشته باشد و مرتب تکرار شود و یا ممکن است در بخشی از زمان گذشته وجود پیدا کرده و اکنون به تاریخ پیوسته است (قائم‌مقدم ۱۳۸۴، ۱۸). معماری رویدادی است که در گذشته‌های دور شکل گرفته و در طی زمان مدام در حال مرمت، حفظ، بازسازی و نوسازی بوده است. معماری بر اساس مولدهای معنایی و محتوایی در فرم و شکل‌های کالبدی متنوع شکل یافته و با تجربیات مثبت و منفی آموزنده‌ای همراه بوده است.

۶-۱. کالبد معماری

شکل کالبدی معماری بیانگر وجوه فیزیکی آن شامل مواد و مصالح، فرم حجمی و ساختار سازه‌ای است که در طول تاریخ و در بسترها و زمینه‌های مختلف، شکل و فرم خاص، به خود گرفته است. معماران در طول تاریخ بر اساس شرایط اقلیمی، فرهنگی، جغرافیایی منطقه و برای ایجاد فضای مناسب زندگی، به فرم‌های کالبدی و مصالح مطابق با آن توجه داشته‌اند. وجه کالبدی معماری به عنوان سرپناه اقلیمی شکل گرفته و در طی قرن‌ها تکامل و استمرار تبدیل به الگو شده و در دوران معاصر تحت تأثیر تحولات گسترده متحول



در معماری امروزی است. معماران معاصر با بهره‌گیری از تجربیات مفید کلاف، در عین حال به رفع نواقص و ضعف‌های آن پرداخته‌اند. الگوبرداری حسن فتیحی معمار مصری از فرم معماری و شکل زندگی بومی با تقلیدی اصلاح‌طلبانه و بهینه و همچنین آموزه‌های نادر خلیلی در احیای سازه‌های سنتی و مواد و مصالح بومی با عنوان گلتافتن (قلعه‌نویی ۱۴۰۱)، نمونه‌ای از تلاش معماران در پند و عبرت آثار بومی و تاریخی معماری است.

آثار معماری در وجوه مختلف شکل کالبدی انباشته از تجربیات درخوری است که می‌تواند در هر زمان، شایسته پند و عبرت و استفاده بهینه باشد. همچنانکه بررسی معماری سنتی حکایت از آن دارد که معماران سنتی در طی زمان مدام در حال پند و عبرت از تجربیات مثبت و رفع ضعف‌ها و خطاهای طراحی و اجرایی آثار معماری گذشته بوده‌اند (جدول ۳). البته بایستی توجه داشت که برداشت عینی از الگوهای کالبدی بدون توجه به مولدهای معنایی و محتوایی آن می‌تواند موجب بی‌هویتی معماری باشد، لذا برای بهره‌مندی الگوهای شکلی و کالبدی معماری باید مولدهای معنایی آن در زمان خود، مورد توجه معماران باشد.

شده است (حجت ۱۳۹۱). عبرت‌پذیری از وجوه کالبدی معماری چه در دوره سنتی و چه در دوره معاصر در انواع مختلف تجربیات معماران قابل پیگیری است.

وجه کالبدی معماری سنتی آکنده از میراث گرانبهایی است که از تداوم و تراکم تجربه معماران ایرانی حاصل شده است. طاق‌ها، گنبد‌ها، حیاط‌ها، بادگیرها، و مقرنس‌ها همگی پاسخ‌های گرانقدری هستند که معماران ایرانی در برابر سختی‌ها و محدودیت‌های اقلیمی و نیارشی یافته‌اند؛ پاسخ‌هایی به دست آمده از راه آزمون و خطا و از جنس تجربه انسانی (حجت ۱۳۹۴، ۱۴). بسیاری از این تجربیات در حوزه شکل کالبدی، مصالح و ساختار سازه‌ای قابلیت خوانش مجدد، و رفع ضعف‌ها با تکنولوژی‌های روز و استفاده در معماری امروزی است. از طرفی بسیاری از وجوه صورت‌گرایانه معماری گذشته ایرانی به موجب خاطره‌انگیزی آن، تداعی تصویری آشنا برای مخاطب ایرانی است (سعیدی و دیگران ۱۴۰۱، ۷۰)، بنابراین می‌تواند در خوانش‌هایی بروز در معماری امروزی مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از کلاف‌های بتنی و فلزی در معماری معاصر به جای کلاف‌های چوبی در معماری سنتی برای مهار نیروهای رانشی یا مسلح کردن ساختمان‌ها نمونه‌ای از عبرت از ضعف‌های معماری سنتی

جدول ۳. برخی از پندها و عبرت‌های معماران سنتی در وجوه کالبدی معماری در طی زمان

نوع عبرت و استفاده از تجربیات تاریخی معماری	تصویر مرتبط	منبع	وجه تأکید
تجربه معماران سنتی در نحوه رسیدن گل رسیده برای ساخت بناهای خشتی: گل رسیده اگر یک شبانه‌روز در آب غوطه‌ور شود نه آب به خود می‌گیرد و نه در آب حل می‌شود (کاهش تخلخل و میزان جذب آب در نگاه آکادمیک و دانشگاهی)		رحیم‌نیا و دیگران ۱۳۹۲	مصالح
کلاف چوبی در خانه‌های قاجاری تبریز: عبرت از زلزله‌های ویرانگر تبریز و تفکر خلاقانه معماران بومی برای برطرف نمودن ضعف‌های ساختمان‌سازی رایج با فن تسلیح ساختمان‌ها به شبکه مهندسی شده چوبی		کبیرصابر ۱۳۹۲	سازه
تفکر سازه‌ای پل خواجه در برابر آب پرفشار رودخانه زاینده‌رود: تقویت نیروی عمودی پایه‌های پل با وزن طبقه فوقانی، پایه‌های سنگی پایدار در آب، پیش‌آمدگی تیز آبرهای پایه پل برای شکست فشار آب به دو سمت...		نقره‌کار و دیگران ۱۳۹۶	سازه و فرم
بکارگیری اصول علمی و استقامتی در عنصر سازه‌ای پشتبند: هم‌زمانی ساخت پشتبند و بنا، تعداد پشتبندها، تکامل فرم و شکل و فواصل منظم‌تر		کریمی و دیگران ۱۳۹۵	سازه
شکلگیری مساجد چهارایوانی گنبدار: گنبدخانه و ایوان عناصر معماری ایرانی قبل اسلام بودند که در شبستان مسجد نشستند...		حجت و ملکی ۱۳۹۱	فرم و سازه



۲-۶. محتوای معماری

عبرت‌آموزی روشی آیه‌ای است و به معنی، پدیده‌ها را آیت دیدن، است. ویژگی آیت‌ها، داشتن نمودی رمز و رازگونه و دلالت هر رمز به چیزی بیش از ظاهر خود است (باقری ۱۳۹۶، ۲۱۸). بنابراین، از این منظر شرط عبرت گرفتن این است که انسان از معرفت و شناخت یک امر محسوس (مثلاً، تاریخ و سرگذشت پیشینیان و آثار به جا مانده از آنان)، به یک امر نامحسوس (آباد کردن) معرفت پیدا کند (جوادی‌عاملی ۱۳۶۸، ۱۳۲). از این‌رو شناخت و عبرت از آثار معماری منحصر به کالبد معماری و ظاهر آن نیست، آثار معماری توسط انسان‌هایی با بینش، نگرش و اندیشه‌هایی متکی بر ارزش‌ها پدید می‌آیند. از دیدگاه پدیدارشناسی، معماری حامل معانی و محتوا از طریق شکل‌دهی به فرم، فضا و راه‌حل‌های مادی است (ویلشک^{۱۵}، ۲۰۲۱، ۳۵۲). به عبارتی معماری را دارای دو وجه کالبدی و محتوایی یا به تعبیری دارای دو وجه صورت و سیرت (نقره‌کار و دیگران ۱۳۹۶)، گل و دل (حجت ۱۳۹۴)، و یا خشت و خیال (نوایی و حاجی‌قاسمی ۱۳۹۰) می‌دانند. این مفهوم در کلامی از حضرت علی (ع) که هر ظاهری را دارای باطنی می‌داند (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۵۴)، قابل پیگیری است. معماری منعکس‌کننده شرایط اجتماعی، اقتصادی، فناوری، و ارزش‌های اخلاقی و فقهی زمان خود است و توجه به این مولدهای معنایی انکارناپذیر است. هر مکان بالاتر از مفهوم «جا» به محتوایی دلالت دارد که آن را احاطه و خلق کرده است (نقی‌زاده و امین‌زاده ۱۳۷۹، ۲۸). عبرت از این محتوا نیازمند گذر از مشاهده صرف و تفکر در باطن آثار است.

وجه مفهومی معماری، گنجینه‌ای از معرفت، عدالت، قناعت و سایر ارزش‌هایی است که از باور معمار در اثر معماری نهاده شده است (حجت ۱۳۹۴، ۱۴). معماری در ایران با تکیه بر سنت‌ها و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی شکل گرفته است. مراد از سنت‌ها اصول و ارزش‌هایی است که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر ممارست و حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهانبینی اسلامی-ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تکامل دائمی، هدایتگر و راهنمای پدیدآورندگان آثار برجسته معماری و شهری بوده است (نقی‌زاده ۱۳۷۹، ۸۰). بسیاری از معماران با نگاه مفهومی و فراکالبدی به معماری به بازخوانی و کاربرد این اصول در معماری توصیه کرده‌اند. ایرج اعتصام اعتقاد دارد معماری ژاپن، با اتکا بر اصول و سنت‌های ارزشمند معماری گذشته سرزمینی‌اش و با تعریف و بازبه‌کارگیری این کانسپت‌ها توانسته است جایگاه بسیار بالایی در معماری جهان به خود اختصاص دهد و معماران خلاق آن سرزمین توانسته‌اند بدون استفاده ابزاری و تقلیدی از عنصر و یا المان خاصی، به باز تعریف مفاهیم معنایی معماری سنتی خود بپردازند (شهبازی و ترابی ۱۳۹۳، ۳۶). عبرت و پند از محتوا و مفاهیم مستتر در آثار معماری و تکامل آن را می‌تواند در معماری سنتی پیگیری کرد (جدول ۴). این معانی و مفاهیم از مهمترین ارکان فراموش شده در معماری امروزی است که پندآموزی از آن ضروری و واجد اهمیت است.

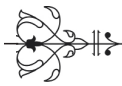
جدول ۴. برخی از پندها و عبرت‌های معماران سنتی در وجوه مفهومی معماری

نوع عبرت و استفاده از تجربیات معماری	منبع	وجه مورد تأکید
خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهاد با عملکرد چندبعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آیین و مذهب، اقتصاد و اوضاع محیطی است.	رایاپورت ^{۱۶} ۱۹۶۹	فرهنگ
تجلی توصیه‌های اخلاقی در معماری خانه‌های سنتی در قالب رعایت حریمیت، عدم اشراف، اهمیت مهمان‌نوازی، حسن همجواری، حقوق همسایگی، پرهیز از اسراف و رعایت قناعت.	حیاتی و دیگران ۱۳۹۷	ارزشهای اخلاقی
الگوی پنهان در نظام فضایی مطلوب مسکن، در قالب سه اصل کلی آسایش زیست اقلیمی، حفظ حریم (امنیت از اشراف) و امنیت از سرقت قابل تبیین می‌باشند.	پورمند و طباطبایی ملاذی ۱۳۹۴	اقلیم
هندسه پنهان، حریم و خلوت، درونگرایی، نظم بلورین، و... از جمله اصول مفهومی در معماری ایران است که در ساختار فضایی و هندسه پنهان آن قابل پیگیری است.	نوایی و حاجی‌قاسمی ۱۳۹۰	اصول

۷. فرآیند عبرت

معماران و مخاطبان معماری به‌عنوان عبرت‌پذیر با مشاهده و تفکر در آثار معماری به‌عنوان موضوع عبرت درس و پندی که در وجوه مختلف آن نهفته است را فرا می‌گیرند. حال باید دید نحوه انتقال این پند و درس و فرآیند عبرت به معمار

و مخاطب (مردم) معماری چگونه رخ می‌دهد. انسان‌ها در دلیل برخی گفتارها و کردارهای خود به سرگذشت پیشینیان استناد می‌کنند و حوادث تلخ و شیرین گذشته را علت تکوین گفتار و کردار خویش معرفی می‌کنند (سلیمانی‌امیری ۱۴۰۰، ۱۷۷). بر این اساس تجربه‌آموزی و عبرت گرفتن



عصاره تجربیات بشری را الگو معرفی می‌کند و شولتز^{۲۰} آن را از تأثیر ضمیر ناخودآگاه در انسان به بحث می‌گذارد. بر این اساس عبرت‌آموزی از آثار معماری توسط معمار و حتی مردم، می‌تواند به صورت ناآگاهانه و ناخودآگاه یا اینکه در فرآیندی خودآگاه و اقتباسی انجام پذیرد. عبرت آگاهانه و خودآگاه از وجوه مختلف معماری را می‌توان در آثار معماران معاصر ایران از جمله، میرمیران، اردلان، و... مشاهده کرد. پند و عبرت ناخودآگاه از معماری گذشته در معماری سنتی و معاصر قابل پیگیری است. معماران گذشته با زیستن در فضا و درک عمیق معانی و مفاهیم از راه تجربه مستقیم قادر به بازآفرینی آنها در آثار بعدی بوده‌اند (یمینی و دیگران ۱۴۰۱، ۶). نمونه رجوع ناخودآگاه به معماری گذشته ایران را در آثار طراحانی که ملیت (تبار) ایرانی داشته و در بستر غیر ایرانی آموزش دیده‌اند، قابل پیگیری است (همان، ۱۱) (جدول ۵).

در فرآیند عبرت ناآگاهانه معمار به صورت ناخودآگاه از عناصر و ساختار کالبدی و محتوایی آثار پیشین معماری اثر می‌پذیرد. از این منظر بنای تاریخی در جامعه همانند پیامبر که متذکر است؛ نقش تذکردهنده دارد (مؤذن و دیگران ۱۳۹۵،

از گذشته برای حال و آینده، خودآگاه یا ناخودآگاه صورت می‌گیرد. تقسیم‌بندی ذهن به دو بخش خودآگاه و ناخودآگاه دستاوردی بود که توسط زیگموند فروید^{۱۷} تشریح شد و فیلسوفان هنر نیز از آن برای تبیین برخی مسائل حل نشده پیشین بهره بردند. طبق این نظریه، اثر هنری در مرز میان ناخودآگاه و خودآگاه شکل می‌گیرد. ناخودآگاهی که در طول سالیان انباشته می‌شود و خودآگاهی که با کسب آگاهی‌های نو به‌روز می‌شود و در عین حال از تاریخ تغذیه می‌کند. هر چه تاریخ طولانی‌تر شود، ناخودآگاه انباشته‌تر و پیچیده‌تر می‌شود (احمدی‌علیایی و محمودی ۱۳۹۴، ۳۳-۳۴). ناخودآگاه انسان بر افعال آگاهانه او تأثیر می‌گذارد. روان ناخودآگاه انسان‌ها مشتمل بر ناخودآگاه فردی و جمعی است. ناخودآگاه جمعی در نگاه کارل گوستاو یونگ^{۱۸} از اهمیت و اصالت خاصی برخوردار است. از نظر یونگ ناخودآگاه جمعی، میراثی از دوره‌های نخستین زندگی بشر است که در حافظه تاریخی انسان‌ها ثبت شده‌است. این ساخت شکل گرفته از کهن‌الگوهایی است که بر اثر تجربه‌های مکرر پیشینیان، به ناخودآگاه بشر راه یافته‌است (یونگ ۱۳۸۱). الکساندر^{۱۹} این

جدول ۵. عبرت خودآگاه و ناخودآگاه در آثار معماران

معمار و اثر معماری	نوع عبرت و استفاده از تجربیات تاریخی معماری	تصویر	منبع	فرآیند عبرت
فرشید موسوی و الخاندرو زائربولو پایانه بندری «یوکوهاما»	الگوی تک‌محوری و محور تقارن، امکان دید در چهار جهت در ساختمان منطبق بر کوشک، تبعیت فضای میانی از الگوی کوشک‌های ۹ قسمتی و گونه چهارصفه، انطباق مسیرهای حرکت در تراز پایینی و نهایی (بام) با کهن‌الگوی باغ ایرانی		یمینی و دیگران ۱۴۰۱	ناآگاهانه
نادر تهرانی Intergenerational Center	تقسیمات چهارتایی و الگوی چهارباغ در طراحی پلان		همان	ناآگاهانه
هادی میرمیران سفارت ایران در برلین	بازتعریف کانسپت فضایی (تالار و ایوان) به‌عنوان دو فضای بسیار معنادار و شاخص در معماری ایران، به زبان معاصر (کاخ چهل ستون اصفهان)		شهبازی و ترابی ۱۳۹۳	آگاهانه
نادر اردلان مرکز مطالعات مدیریت	شباهت به مدرسه‌های ایرانی گذشته (مدرسه مادرشاه اصفهان)؛ حیاطی در میان با نهری از آب بر محور آن، حجره‌هایی در اطراف حیاط، حیاطچه‌هایی در کنج‌ها		حجت آگاهانه ۱۳۹۴	خودآگاه



مقوله عبرت‌گیرنده در اثر معماری، شامل معماران به‌عنوان خالقین اثر معماری و مردم به‌عنوان خالقین زیربنای فرهنگی معماری است. انجام صحیح فرآیند عبرت، در گرو دانش معماران از وجوه مختلف معماری و آگاهی مردم و همراهی آنان با معماران در فرآیند عبرت است. علاوه بر این در فرآیند عبرت‌پذیری، عبرت‌گیرنده باید مجهز به ابزار عبرت (دل پاک و فراگیر، بینایی، عقل و تدبیر، گوش شنوا، زبان گویا) باشد. دل پاک و فراگیر به‌عنوان دروازه انتقال اطلاعات درست، ابزار بینایی و تأمل در اثر معماری برای تجربه عینی و مشاهده تأملی در ظاهر و باطن اثر تاریخی معماری، گوش شنوا برای شنیدن کلام اساتید و اسناد مکتوب و زبان گویا برای انتقال صحیح اطلاعات تاریخی اثر معماری حائز اهمیت است.

موضوع عبرت شامل وجوه کالبدی و معنایی معماری است. وجوه کالبدی معماری شامل شکل کالبدی، ساختار و سازه و مواد و مصالح بنای معماری است که در طول تاریخ تحت تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی بستر آن و طی آزمون و خطا و تجربیات انسانی در تکامل بوده است. همه این تجربیات مثبت و منفی پندی و درسی برای معماران حال و آینده است. برای برداشت عینی از الگوهای کالبدی معماری و پند و عبرت از وجوه کالبدی آن باید مولدهای معنایی و محتوایی آن در زمان خود اثر، مورد توجه معماران باشد. وجه معنایی معماری شامل ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، و حقوقی است که بسیاری از این مفاهیم در طول زمان به‌عنوان اصول ثابت در آثار معماری ایران حضور داشته‌اند. درک و دریافت باطن و محتوای آثار معماری نیازمند تفکر و تأمل فنی و علمی است.

موضوع مهم دیگر در عبرت‌پذیری، فرآیند عبرت است که می‌تواند به صورت ناآگاهانه و ناخودآگاه یا اینکه در فرآیندی خودآگاه و اقتباسی انجام پذیرد. ناخودآگاهی که در طول سالیان دراز تحت تأثیر تجربیات انسانی در ذهن‌ها انباشته شده و مردم و معماران با زیستن در فضا و درک عمیق معانی و مفاهیم، قادر به بازآفرینی آنها در آثار معماری هستند و خودآگاهی که تحت تأثیر عبرت ناآگاهانه بوده و نیازمند آموزش و ابزار عبرت است تا به‌روز شود.

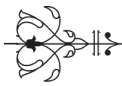
آنچه می‌تواند فرآیند عبرت را به نتیجه برساند ارتباط صحیحی است که باید بین موضوع عبرت و عبرت‌پذیر برقرار گردد؛ به بیانی دیگر موضوع عبرت باید بر عبرت‌پذیر عرضه گردد. بنابراین برای حاصل شدن عبرت در معماری بایستی توجه معماران و مردم به آثار معماری جلب شود تا پند و درس به ایشان منتقل شود. گاه این ارتباط به صورت خودبه‌خود حاصل می‌شود، یعنی معماران یا مردم به سبب ارتباطی که با معماری به‌عنوان مکان زندگی در سالیان دراز داشته‌اند، به

(۱۳۱). در عبرت‌پذیری آگاهانه، معمار با مطالعه و داشتن آگاهی کامل از آثار معماری گذشته از تجربیات مثبت و منفی آن بهره می‌برد. عبرت آگاهانه نیاز به ابزار دارد که پیش‌تر شرح آن رفت. علاوه بر آن عبرت آگاهانه نیاز به آموزش عبرت‌پذیر نیز دارد. بر این اساس برای آنکه یک معمار بتواند اطلاعات صحیح تاریخی را از آثار معماری کسب کرده و از تجربیات مثبت و منفی آن عبرت بگیرد، بایستی بر اطلاعات فنی و تاریخی کافی در وجوه مختلف معماری مسلط بوده و قدرت تشخیص و تصمیم معمارانه بر اساس مجموع دانش‌ها از حکمت نظری و عملی را داشته باشد. این اطلاعات از طریق آموزش و علی‌الخصوص آموزش تاریخ معماری برای معماران قابل احصاء است که در پژوهش‌های مختلف به آن پرداخته شده است (خوئی ۱۳۸۵؛ رنجبر کرمانی ۱۳۹۹؛ ناری قمی ۱۳۹۸). آموزش و یادگیری تعاریف متعددی دارد ولی به طور کلی یادگیری را حاصل تجربه می‌دانند (السادات‌حسینی و دیگران ۱۳۹۸، ۱۳۰). در آموزش تاریخ معماری نیز، تجربه مستقیم بناها را به‌عنوان بهترین ابزار آموزش معماری معرفی کرده‌اند (ناری قمی ۱۳۹۸، ۱۰۴). چنانکه در معماری سنتی هم، برخلاف الگوی کنونی آموزش معماری، آموزه‌های علمی و عملی با تکیه بر آموزش کارگاهی به گونه‌ای درهم‌تنیده و دوشادوش یکدیگر و در مدت زمانی طولانی انتقال یافته است (مجتهدزاده ۱۴۰۱، ۶۱).

فرآیند عبرت از آثار معماری همانگونه که به صورت ناخودآگاه و بر اساس تجربه زیسته و حضور در فضا و بازیابی اطلاعات انباشته در ذهن معمار انجام می‌شود، بایستی به صورت آگاهانه و با علم و حکمت و ابزار عبرت از وجوه مختلف معماری به اقتضای زمان و مکان انجام شود.

۸. نتیجه‌گیری

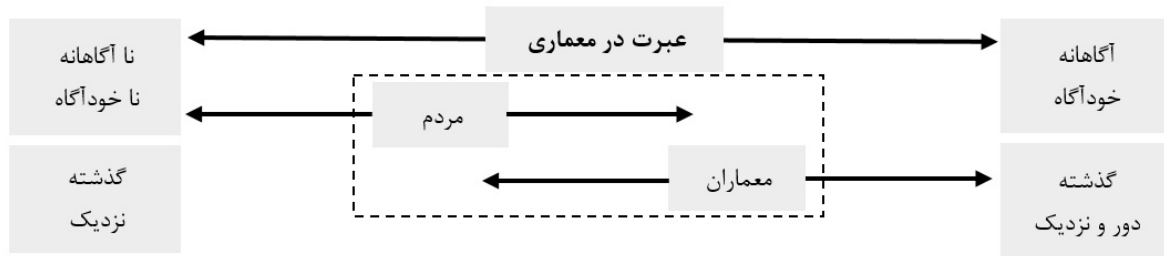
توجه به گذشته و آثار پیشینیان برای پند و عبرت از تجربیات منفی و مثبت تاریخی مورد تأکید تعالیم اسلامی و متون تاریخی متنوع بوده است. عبرت‌پذیری به سبب کارکرد تربیتی آن، می‌تواند در معماری به‌عنوان روشی برای نقد و آموزش و بهره‌مندی از تجربیات مثبت و منفی آثار معماری عمل کند. شناسایی اطلاعات و تجربیات مثبت و منفی آثار معماری نیازمند ارتباط بین انسان به‌عنوان خالق یا کاربر اثر معماری با بنا و نحوه عبرت او است. از این منظر فرآیند عبرت‌پذیری با سه مقوله مرتبط است؛ ۱. عبرت‌گیرنده، ۲. موضوع عبرت، و ۳. فرآیند عبرت. بر این اساس در پژوهش حاضر عبرت‌پذیری در سه حوزه عبرت‌گیرنده (معمار و مردم)، موضوع عبرت (معماری)، و فرآیند عبرت (خودآگاه و ناخودآگاه) تدوین و تشریح شد.



دور و نزدیک، و مخاطبان بیشتر با آثار معماری موجود و متعلق به گذشته نزدیک ارتباط آسانتری برای عبرت‌پذیری برقرار می‌کنند. می‌توان با آموزش و آشنا کردن مخاطبان با ارزش‌های معماری گذشته دور و نزدیک، آن‌ها را به سمت عبرت آگاهانه از آثار معماری سوق داد.

در نهایت حسن ختام این پژوهش تأکید بر این مسئله است که از منظر عبرت‌پذیری، عبرت از تجربیات منفی و پند و درس از تجربیات مثبت در اثر معماری چه در وجه کالبدی و چه در وجه محتوایی آن و چه آگاهانه و چه غیرآگاهانه در هر زمان ضروری بوده و آنچه در وجوه معماری دارای خیر و حسن است، قابلیت عبرت و پند دارد.

صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از آن پند می‌گیرند. گاهی برای حاصل شدن عبرت نیاز به مربی و آموزش متری است. معماران به شرط آموزش درست و کافی در طول دوران تحصیل، به واسطه نگاه علمی و فنی که به آثار معماری دارند، در عبرت از آثار معماری می‌توانند بیشتر به صورت آگاهانه و خودآگاه از تجربیات مثبت و منفی آثار معماری بهره ببرند؛ ولی مردم و مخاطبان معماری به دلیل عدم تخصص کافی، بیشتر به صورت ناخودآگاه و ناآگاهانه از اثر معماری عبرت خواهند گرفت. این موضوع در ارتباط با آثار معماری تاریخی و باقی مانده از گذشته‌های دور که شناخت و نقد و آموزش آن نیازمند تخصص و دانش تاریخی است، بیشتر خود را نمایان می‌کند. به عبارتی معماران از آثار معماری گذشته‌های



شکل ۶. طیف عبرت در معماری در بین معماران و مردم

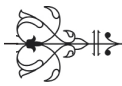
پی‌نوشت

۱. در رابطه با نسبت تاریخ و گذشته و تفاوت‌های آن بحث‌های زیادی وجود دارد (قیومی‌بیدهندی ۱۴۰۲، ۱۵۷). در این پژوهش هر رویداد و اثر معماری که پیش از اکنون رخ داده جز تاریخ و گذشته محسوب شده است.
۲. فَاتَّعِظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِزِّ النَّوَافِعِ، وَاعْتَبِرُوا بِالْآيِ السَّوَاطِعِ ... (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۶، خطبه ۸۵).
۳. فیالها أمثالا صائبة و مواظ شافية لو صادفت قلوبا زاكية و أسماعا واعية و آراء عازمة و ألبابا حازمة: و چه مثال‌های بجا و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشیند و در گوش‌های شنوا جای گیرد و با اندیشه‌های مصمم و عقل‌های با تدبیر برخورد کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۳ / فراز ۱۹). ثم منحه قلبا حافظا و لسانا لافظا و بصرا لاحظا ليفهم معتبرا و يقصر مزدجرا: سپس او را دلی فراگیر و زبانی گویا و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند و از بدی‌ها بپرهیزد (همان، خطبه ۸۳ / فراز ۴۶).
۴. وَأَنْتَ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نَوْحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَدَبِّرِينَ (سوره یونس / ۷۱-۷۳).
۵. Ehteshami
۶. Vitruvius
۷. Wayne Attoe
۸. Barber
۹. Saba
۱۰. تولد و تداوم گونه‌های بنیادی مساجد ایرانی و سرچشمه‌های آن نمونه‌ای از تکامل الگوهای معماری است (رک: حجت و ملکی ۱۳۹۱).
۱۱. عبرت از زلزله و رفع ضعف‌های ساختاری بناهای سنتی نمونه‌ای از عبرت‌پذیری معماران سنتی است (رک: کبیرصابر ۱۳۹۲)
۱۲. Bryan Lawson
۱۳. فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ: پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم (سوره حشر / ۲).
۱۴. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِيَ الْأَلْبَابِ: درس‌گذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود (سوره یوسف / ۱۱۱).
۱۵. Wilczek
۱۶. Rapoport
۱۷. Sigmund Freud
۱۸. Carl Gustav Jung
۱۹. Christopher Alexander
۲۰. Christian Norberg-Schulz



منابع

۱. قرآن کریم. ۱۳۸۶. ترجمه‌ی مهدی الهی‌قمشه‌ای. تهران: پیام آزادی.
۲. نهج‌البلاغه. ۱۳۸۶. ترجمه‌ی محمد دشتی. مشهد: سنبله.
۳. اتو، وین. ۱۳۸۴. معماری و اندیشه نقادانه. ترجمه‌ی امینه انجم شعاع. تهران: نشر فرهنگستان هنر.
۴. احمدیان‌احمدآبادی، اکرم، و محمد اخوان ۱۳۹۲. آموزه‌های تاریخ از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع). پژوهشنامه علوی ۴ (۲): ۳۸-۱۹.
۵. احمدی‌علیایی، سعید، و فتانه محمودی. ۱۳۹۴. جهان‌های اثرگذار در تکوین اثر هنری: تاریخ جامعه، تاریخ هنر، تاریخ هنرمند. فصلنامه تخصصی نقد ادبی ۸ (۲۹): ۵۲-۳۱.
۶. آذرتاش، آذرنوش. ۱۳۸۸. فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نی.
۷. اسماعیلی‌قشلاقی، امیررضا، و محمدرضا بمانیان. ۱۴۰۰. معیارهای اصالت و اعتبار آثار معماری معاصر (نمونه موردی: موزه هنرهای معاصر تهران). باغ نظر ۱۸ (۱۰۴): ۵-۱۶.
۸. آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، جلد ۵. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. باقری، خسرو. ۱۳۹۶. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
۱۰. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. ۱۳۸۱. تاریخ بیهقی. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
۱۱. پورمند، حسنعلی، و فاطمه طباطبایی‌ملاذی. ۱۳۹۴. الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی-اسلامی (بررسی موردی خانه رسولیان یزد). پژوهش‌های معماری اسلامی ۳ (۴): ۳-۲۱.
۱۲. پیشوایی، حمیدرضا، و مهرداد قیومی‌بیدهندی. ۱۳۹۲. خاک و خرد تأملی در شأن معماری در مثنوی معنوی. مطالعات معماری ایران ۲ (۳): ۳۶-۱۷.
۱۳. تقوایی، ویدا. ۱۳۸۹. از چیستی تا تعریف معماری. هویت شهر ۵ (۷): ۷۵-۸۶.
۱۴. جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۵. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، جلد ۲۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. جوادی‌عاملی، عبدالله. ۱۳۶۸. اسرار عبادت. تهران: الزهراء.
۱۶. چالقی، غلامرضا، اصغر محمدرادی، و غلامحسین معماریان. ۱۳۹۸. ابعاد و مؤلفه‌های نگرش استمرار و گسست تاریخی در پهنه‌های زیست اجتماعی ایران. مسکن و محیط روستا ۳۸ (۱۶۶): ۱۰۹-۱۲۲.
۱۷. حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. ۱۳۷۸. جغرافیای حافظ‌ابرو، جلد ۱. مقدمه، تصحیح و تحقیق از صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.
۱۸. حائری، محمدرضا. ۱۳۷۵. میزگرد: از معماری گذشته چه درسی می‌توان گرفت؟ آبادی ۶ (۲۳): ۳۶-۲۹.
۱۹. حجت، عیسی. ۱۳۹۱. سنت و بدعت در آموزش معماری. تهران: سمت.
۲۰. _____ ۱۳۹۴. سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران. هنرهای زیبا ۲۰ (۱): ۵-۱۶.
۲۱. _____، و مهدی ملکی. ۱۳۹۱. همگرایی سه گونه بنیادین هندسی و پیدایش هندسه مسجد ایرانی. هنرهای زیبا ۱۷ (۴): ۵-۱۶.
۲۲. حسینی، الهه السادات، محمدمنصور فلامکی، و عیسی حجت. ۱۳۹۸. نقش تفکر خلاق و سبک‌های یادگیری در آموزش طراحی معماری. اندیشه معماری ۳ (۵): ۱۲۵-۱۴۰.
۲۳. حیاتی، حامد، بهزاد وثیق، و شیوا مدنی‌زاده. ۱۳۹۷. تجلی مؤلفه‌های اخلاقی در معماری خانه‌های سنتی اقلیم گرم و خشک ایران. اخلاق در علوم و فناوری ۱۳ (۴): ۷-۱.
۲۴. خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل. ۱۳۸۶. دیوان خاقانی. به کوشش سیدضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۶۲. المفردات فی غریب القرآن. بی‌جا: کتاب‌فروشی مرتضوی.
۲۶. رحیم‌نیا، رضا، امین محمودزاده، فرهاد تهرانی، و علی زمانی‌فرد. ۱۳۹۲. بازشناخت تجربیات معماری بومی در جنوب خراسان، جهت حفاظت و مرمت معماری خشتی. مسکن و محیط روستا ۳۲ (۱۴۲): ۱۹-۳۲.
۲۷. رحیم‌نیا، رضا، علی زمانی‌فرد، مهران قرائتی. ۱۳۹۶. بررسی تاریخی و تبیین جایگاه حرفه‌ای و نقش معماران سنتی در فرآیند تحولات معماری و مرمت با تکیه بر منابع مکتوب. مرمت و معماری ایران ۷ (۱۳): ۱۹-۳۴.
۲۸. رنجبرکرمانی، علی‌محمد. ۱۳۹۹. بهبود کارایی شیوه آموزش تاریخ معماری. مطالعات معماری ایران ۹ (۱۸): ۵-۲۴.
۲۹. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۳. حکمت و معیشت. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۳۰. سعیدی، پریسا، ابوذر صالحی، محسن افشاری. ۱۴۰۱. ارجاعات صورت‌گرایانه به پیشینه معماری ایران به‌منظور هویت‌بخشی به مسکن معاصر. نامه معماری و شهرسازی ۱۵ (۳۶): ۷۴-۵۳.



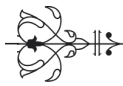
۳۱. سلیمانی‌امیری، جواد. ۱۴۰۰. مفهوم و اصول تاریخ‌پژوهی اسلامی. تحقیقات بنیادین علوم انسانی ۷ (۳): ۱۷۱-۱۹۳.
۳۲. شهبازی، مجید، و زهره ترابی. ۱۳۹۳. مقایسه بازتعریف و باز به‌کارگیری سنت در معماری معاصر ایران و اروپا (مطالعه موردی: برخی آثار لوکوربوزیه و سید هادی میرمیران). هویت شهر ۸ (۱۹): ۳۵-۴۸.
۳۳. غلامعلی‌فلاح، محمد. ۱۴۰۰. تبیین معانی تاریخ معماری از طریق بررسی نسبت مفردات و لفظ آن. صفا ۳۱ (۹۲): ۹۷-۱۰۸.
۳۴. قائمی‌مقدم، محمدرضا. ۱۳۸۰. عبرت و تربیت در قرآن و نهج‌البلاغه. روش‌شناسی علوم انسانی ۷ (۲۷): ۶۹-۹۱.
۳۵. _____ . ۱۳۸۴. روش عبرت‌دهی در قرآن. تربیت اسلامی ۱ (۱): ۹-۳۸.
۳۶. قلعه‌نویی، محمود. ۱۴۰۱. خاستگاه‌های اندیشه و روش زمینه‌گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه‌های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تاکنون، فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی (۲۵): ۵-۲۸.
۳۷. قیومی‌بیدهندی، مهرداد. ۱۳۹۰. گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۸. _____ . ۱۴۰۲. بنیادهای فهم تاریخ معماری، درس‌نامه‌ای میان‌رشته‌ای. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن).
۳۹. _____ ، و امید شمس. ۱۳۹۱. درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران. مطالعات معماری ایران ۱ (۲): ۵-۲۵.
۴۰. کاپون، دیوید اسمیت. ۱۳۸۳. مبانی نظری معماری، جلد ۱. ترجمه‌ی علی یاران. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۱. کانتر، دیوید. ۱۳۹۲. روانشناسی مکان. ترجمه‌ی مریم امیری‌خواه. تهران: فضا.
۴۲. کبیرصابر، محمدباقر. ۱۳۹۲. رهیافت‌های معماری سنتی تبریز برای ساخت‌وساز ایمن پس از زلزله، مطالعه موردی: کاربست کلاف‌های چوبی در معماری خانه‌های قاجاری. نامه معماری و شهرسازی ۶ (۱۱): ۵۹-۷۰.
۴۳. کریمی، نرگس، رضا ابویی، و داریوش حیدری. ۱۳۹۵. گونه‌شناسی و سیر تحول پشت‌بندها از ابتدا تا انتهای دوران تاریخی در معماری ایران. باغ نظر ۱۳ (۴۰): ۵۵-۶۸.
۴۴. گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۸۴. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: سمت.
۴۵. مجتهدزاده، روح‌الله. ۱۴۰۱. شفاهی و مکتوب در آموزش معماری دوران اسلامی، فرضیه‌ای در باب انتقال علم در حوزه معماری. مطالعات معماری ایران ۱۱ (۲۱): ۵۳-۶۸.
۴۶. محمدی‌ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۸. میزان الحکمه، جلد ۷. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۴۷. ملایری، سپیده، مسعود ناری‌قمی، و سجاد دامیار. ۱۳۹۸. تبیین میزان اثربخشی آموزش‌های پایه معماری به مخاطب عام نوجوان (مطالعه موردی: خوانش نماهای معماری). هویت شهر ۱۳ (۴): ۷۵-۹۰.
۴۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. ۱۳۸۴. آموزش نقد معماری، تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه‌جانبه آثار معماری. هنرهای زیبا (۲۳): ۶۹-۷۶.
۴۹. ناری‌قمی، مسعود. ۱۳۹۸. نگرش انتقادی اسلامی: رویکردی برای آموزش کاربردی تاریخ معماری اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۷ (۴): ۹۵-۱۱۷.
۵۰. ندیمی، هادی. ۱۳۸۶. کلک‌دوست، ده مقاله در هنر و معماری. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۵۱. نقره‌کار، عبدالحمید، حیدر جهان‌بخش، و مهدی حمزه‌نژاد. ۱۳۹۶. انسان، طبیعت، معماری. تهران: پیام نور.
۵۲. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۹. رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا ۷ (۷): ۷۹-۹۱.
۵۳. _____ ، و بهناز امین‌زاده. ۱۳۷۹. رابطه معنی و صورت در تبیین مبانی هنر. هنرهای زیبا ۸ (۸): ۱۶-۳۲.
۵۴. نوایی، کامبیز، و کامبیز حاجی‌قاسمی. ۱۳۹۰. خشت و خیال، شرح معماری اسلامی ایران. تهران: سروش.
۵۵. یمینی، ستاره، پریرسا علیمحمدی، و کاوه بذرافکن. ۱۴۰۱. نقش تجربه زیسته طراحان در بازنمایی کهن‌الگوهای معماری (نمونه موردی: آثار معماران ایرانی تحصیل‌کرده خارج از کشور). باغ نظر ۱۹ (۱۱۱): ۵-۱۶.
۵۶. یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۸۱. انسان امروزی در جستجوی روح خود. ترجمه‌ی فریدون فرامرزی و لیلا فرامرزی. مشهد: آستان قدس رضوی.

References

1. Holy Quran. 2008. Translated by Mahdi Elahi Ghomshei. Terhan: Payam-e Azadi.
2. Nahj al-Balaghe. 2016. Translated by Mohammad Dashti. Mashhad: Sonboleh.

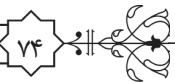


3. Abdolkarim Soroush. 1994. *Wisdom and Livelihood*. Tehran: Serat Cultural Institute.
4. Ahmadi Oliayi, Saeed, and Fattaneh Mahmoudi. 2015. Influential World Sin the Genesis of an Artwork: Social History, Art History, the History of the Artist. *LCQ* 8(29): 31-52.
5. Ahmadian Ahmadabadi, Akram, and Mohammad Akhavan. 2014. The Lessons of History from the Viewpoint of Imam Ali (PBUH). *Pazuhesname-ye Alavi* 4(2): 19-38.
6. Ali Pourmand Hamid, and Fatemeh Tabatabaei Malazi. 2016. The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses (Case study of Rasoulia House, Yazd). *Researches in Islamic Architecture* 3(4): 3-17.
7. Amadi, Abdul Wahed Ibn Mohammad. 1987. *Tasnif-e Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam*, Volume 5. Qom: Islamic Development Office.
8. Attoe, Wayne. 2005. *Architecture and Critical Imagination*. Translated by Amineh Anjomshooa. Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
9. Azartash, Azarnoosh. 2009. *Contemporary Arabic-Persian Culture*. Tehran: Ney.
10. Bagheri, Khosro. 2016. *A New Look at Islamic Education*. Tehran: Publications of Burhan School Cultural Institute.
11. Barber, Daniel A. 2016. Architectural History in the Anthropocene. *The Journal of Architecture* 21(8): 1165-1170.
12. Beyhaghi, Abolfazl Mohammad Ibn Hossein. 2002. *History of Beyhaghi*. By Khalil Khatib Rahbar. Tehran: Mahtab.
13. Canter, David. 2014. *The Psychology of Place*. Translated by Maryam Amirikhah. Tehran: Faza.
14. Capon, Smith David. 2005. *Theory Architectural*, Volume 1. Translated by Ali Yaran. Tehran: Scientific Publishing Center of Islamic Azad University.
15. Ehteshami, Azin. 2018. Historical Perception of Architecture and Cultural History Approach. *Art and Design Review* 6(2): 76-95.
16. Esmaily Gheshlaghi, Amirreza, and Mohammadreza Bemanian. 2022. The Authenticity and Originality of Contemporary Architectural Works (A Case Study of the Tehran Museum of Contemporary Art). *Bagh-e-Nazar* 18(104): 5-16.
17. Ghalehnoee, Mahmoud. 2023. Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From The 1960 to The Present. *Journal of Place and Space Research* 1401(25): 5-28.
18. Gholam-Ali Fallah, Mohammad. 2021. Identifying the Meanings of Architectural History as the Cross Section of the Words History and Architecture. *Soffeh* 31(92): 97-108.
19. Grote, Linda, and David, Wang. 2006. *Research Methods in Architecture*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: SAMT.
20. Haeri, Mohammadreza. 1997. Session: What lessons can be learned from past Architecture? *Abadi* 6(23): 29-36.
21. Hafez Abro, Abdullah Ibn Lotfollah. 1999. *Geography of Hafez Abro*, Volume 1. Introduction, Proofreading and Research by Sadeqh Sajjadi. Tehran: Written Heritage Publications.
22. Hayati, Hamed, Behzad Vasigh, and Shiva Madanizadeh. 2019. Manifestation of Ethical Codes in Architecture in Traditional Houses in Iran's Warm and Dry Climate. *Ethics in Science and Technology* 13(4): 1-7.
23. Hojat, Isa. 2012. *Tradition and Innovation in Architecture Education*. Tehran: SAMT.
24. _____. 2015. Traditionalists' Tradition and Architects' Traditionalism. *Honar-ha-ye Ziba* 20(1): 5-16.
25. _____, and Mahdi Maleki. 2012. Convergence of Three Fundamental Geometric Types and Genesis of the Persian Mosque's Geometry. *Honar-ha-ye Ziba* 17(4): 5-16.
26. Hosseini, Elaheh Sadat, Mohammad Mansour Falamaki, and Isa Hojat. 2019. The Role of Creative Thinking and Learning Styles in the Education of Architectural Design. *Architectural Thought* 3(5): 125-140.
27. Jafari, Mohammad Taghi. 1996. *Translation and Interpretation of Nahj al-Balaghe*, Volume 21. Tehran: Islamic Culture Publishing House.
28. Japalaghi, Gholamreza, Asghar Mohammad Moradi, and Gholam Hossein Memarian. 2019. The Factors and Basis of Continuity and Interruption in Iran's Bio-social Zones. *Housing and Rural Environment* 38(166): 109-122.
29. Javadi Aameli, Abdollah. 1989. *The Mysteries of Worship*. Tehran: Al-Zahra.
30. Jung, Carl Gustav. *Modern Man in Search of His Soul*. 2002. Translated by Fereydoon Faramarzi and Leila Faramarzi. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications.



31. Kabirsaber, Mohammad Bagher. 2013. Traditional Principals for Safe Construction after Earthquake in Old Tabriz (Wooden Coil Technique in Qajariieh Era Residential Architecture). *Architecture and Urban Planning* 6(11): 59-70.
32. Karimi, Narges, Reza Abouei, and Dariush Heydari. 2016. Typology and Developments in Buttresses from the Beginning to the Historical Era in Iranian Architecture. *Bagh-e-Nazar* 13(40): 55-68.
33. Khaghani Shervani, and Afzaloddin Badeel. 2007. *Divan-e Khaghani*. By Seyyed Zia al-din Sajjadi. Tehran: Zovvar.
34. Mahdovinejad, Mohammad Javad. 2005. Education of Architectural Criticism, Enhancement the Creativity of Students Through Architectural Criticism. *Honar-ha-ye Ziba* (23): 76-69.
35. Malaieri, Sepideh, Masoud Narighomi, and Sajad Damyar. 2020. Effectiveness of Teaching Primary Architecture to Public Youth and Teens (Case Study: Reading Architectural Facades) Subject Areas: Urban Design. *Hoviat Shahr* 13(4): 75-90.
36. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad. 2018. *Mizan al-Hekmeh*, Volume 7. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute.
37. Mojtahed-zadeh, Rouhollah. 2022. The Oral and the Written in Architecture Education of the Islamic Era: Hypotheses about the Transmission of Architectural Knowledge. *Iranian Architecture Studies* 11(21): 53-68.
38. Nadimi, Hadi. 2016. *A Pen of Friend*. Isfahan: Isfahan Municipal Cultural and Recreational Organization
39. Naghizadeh, Mohammad. 1999. Relation Identity Iranian Architecture Tradition with Modernism and Modernity. *Honar-Ha-Ye-Ziba* (7):79-91.
40. _____, and Behnaz Aminzadeh, 2000. The Relationship between Meaning and Form in Explaining the Basics of Art. *Honar-ha-ye Ziba* (18): 16-32.
41. Nari Ghomi Masoud. 2020. Islamic Critical View: An Approach Toward Applicable Course of History of Islamic Architecture. *Researches in Ismalic Architecture* 7(4) :93-114.
42. Navaei, Kambiz, and Kambiz Haji Qassemi. 2011. *Khesht-o Khial: An Interpretation of Iranian Islamic Architecture*. Tehran: Soroush.
43. Noghrekar, Abdol Hamid, Heidar Jahanbakhsh, and Mahdi Hamzenezhad. 2016. *Human, Nature, Architecture*. Tehran: Payam-e Noor.
44. Pishvaie, Hamid Reza, and Mehrdad Qayyoomi Bidhendi. 2013. Soil and Wisdom, Reflections on the Status of Architecture in Rumiâs Mathnawi. *Iranian Architectural Studies* 2(3): 17-36.
45. Qaemi Moqadam, Mohammad Reza. 2001. Admonition and Education from the Viewpoint of the Qur'an and Nahj al-Balagh. *MSSH* 7(27): 69-91.
46. _____. 2005. The Method of Making Example in Quran. *Islamic Education* 1(1): 9-38.
47. Qayyoomi Bidhendi, Mehrdad. 2011. *Art and Architecture of History of bases the in Statements*. Tehran: Elmi va Farhangi Publishing Corporation.
48. _____. 2024. *Foundations of Understanding the History of Architecture*. Tehran: Matn.
49. _____, and Omid Shams. 2012. History of Mentalities in Iranian Architecture: an Introduction. *Islamic Architecture Studies* 1(2): 5-25.
50. Ragheb Esfahani, Hossein Ibn Mohammad. 1983. *Al-Mufardat fi Gharib al-Quran*. No Place: Mortazavi.
51. Rahimnia, Reza, Amin Mahmoudzadeh, Farhad Tehrani, and Ali Zamanifard. 2013. Recognition of Vernacular Architectural Practices in the South of Khorasan, an Approach for Conservation and Restoration of Earthen architecture. *Housing and Rural Environment* 32(142): 19-22.
52. Rahimnia, Reza, Ali Zamanifard, and Mehran Gharaati. 2017. A Survey on Historical Evolution for Activity of Craftsmen in Architecture and Conservation Process by Focusing on Written Resources. *Maremat & Memari-e Iran* 7(13): 19-34.
53. Ranjbar Kermani, Ali Mohammad. 2021. Improving the Efficiency of Teaching Architectural History. *Iranian Architectural Studies* 9(18): 5-24.
54. Rapoport, Amos. 1969. *House, Form, and Culture*. Prentice Hall, Engle-wood Cliffs.
55. Saba, Manuel, et al. 2023. Historical-Architectural Analysis of Cartagena de Indias Heritage. *City, Territory and Architecture* 10(3): 1-21.
56. Saeidi, Parisa, Aboozar Salehi, and Mohsen Afshary. 2022. Formalistic References to the Architectural





- Background of Iran to Assign Identity to Contemporary Housing. *Architecture and Urban Planning* 15(36): 53-74.
57. Shahbazi, Majid, and Zohreh Torabi. 2014. The Comparative Study of Reinterpretation and Requalification of Tradition in the Contemporary Architecture of Iran and Europe, (Case Study: Works of Mirmiran and Corbusier) Subject Areas: Architecture. *Hoviat Shahr* 8(19): 35-48.
58. Soleimani Amiri, Javad. 2021. The Concept and Principles of Islamic Historiography. *The Interdisciplinary Quarterly of Fundamental Researches on Humanities* 7(3):171-206.
59. Taghvaei, Vida. 2011. From Essence to the Definition of Architecture. *Hoviat Shahr* 5(7): 75 - 86.
60. Wilczek, Iwona. 2021. The Layers of History: New Architecture Interventions in Castle Ruins. *Frontiers of Architectural Research* 10(2): 351-368.
61. Yamini, Setareh, Parisa Alimohammadi, and Kaveh Bazrafkan. 2022. The Role of Designers' Lived Experience in Representation of Architectural Archetypes A Case Study of Iranian-Born Foreign-Educated Architects' Designs. *Bagh-e-Nazar* 19(111): 5-16.

